ماهنامهٔ
# مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

اراده برای زیست و کین پرشور نسبت به فرومایگی های گذران عادی، که لنین مظهر نیرومند آن بود، مرا مسحور خود میساخت. من از تهور دلیرانهٔ پر از نشاط جوانی او که هرچه را میخواست به کمك آن به انجام میرساند لذت میبردم.

ماکسیم گورکی
از: «خاطرات دربارهٔ لنین»

# آینده ای که لنین میدید

۱ - رشتهٔ سرخ رنگ

سخن حکمت آمیزیست که میگوید: «مرد آخرین مبارك بنده ایست.» آنکس که ازسکوی آینده میگرد، اکنون را بهتر میفهمد و گذشته را ژرفتر در می یابد. آگاهی از سیر امور در آینده کار آسانی نیست. اینکار، چنانکه مدعیانی در تاریخ گفته اند، از طریق کهانت و جادوگری یا نبوت و وحی ممکن نیست. اینکار تنها از دست علم ساخته است. هر گاه شما به راز درونی حرکت تاریخ، به قوانین تکامل آن پی برید، میتوانید آنرا پیش بینی کنید. مارکس، انگلس و لنین که این نبض طپنده را در زیر انگشتان حساس تجسس و بصارت خود داشتند، آینده را پروشنی میدیدند، گفته ها، پیش بینی ها، زنهار باش ها و بشارتهای آنها در آزمایشگاه تاریخ معتبر از کار در آمد و جادوگری ایدئولوگ های سرمایه داری که زوال مارکسیسم، شکست انقلاب پرولتاری، انهدام جامعه سوسیالیستی، محو لنینیسم را وعده میدادند بفروقی تنگین بدل شد.

هربرت جارج ولز نویسنده انگلیسی پس از دیدار با لنین وی را «پندار باف کرملین» نامید. وی اندیشه لنین را که روسیه ای غرق در تاریکی قحطی و عقب ماندگی وجهالت را روشن از پرتو میلیارد ها ستارهٔ الکتریکی میدید، اندیشهٔ یك خیالپرور میخواند. ولی پیش بینی علمی لنین از نوع رؤیا باقی نبود. زمان گذشت و این لنین بود که پیروز شد.

لنین پیوسته پند میداد که در پیچ وخم های تاریخ و در زیگزاگهای متعدد آن باید گمراه شد و دورنمای عمومی را نباید ازدست داد. وی میگفت: «باید رشتهٔ سرخ رنگی را که سراپای تکامل سرمایه داری و راه به سوی سوسیالیسم را پیوند میدهد، دید.»
(کلیات بزبان روسی، جلد ۳۶، ص ۴۷)

دنباله در صفحه ۲

# پیام

کمیته مرکزی حزب توده ایران
بمناسبت صدمین سالروز
## لنین

هموطنان! کارگران، دهقانان، زحمتکشان ایران! خواهران و برادران عزیز!

دوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ درست یکصد سال از تولد لنین آن رادمرد بزرگی میگذرد که نامش مظهر پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، نخستین انقلاب مظفر کارگری جهان، عظیم ترین و ژرفترین انقلاب تاریخ بشری و سرمنشاء کلیه تحولات انقلابی دنیای معاصر است.

لنین پیشوای داهی بشریت زحمتکش

پانزده و سه سال پیش توده های زحمتکش روسیه برهبری لنین بزرگ وحزب بلشویك که لنین بنیاد گذار آن بود، بیا خاسته نه تنها سلطنت جابر و قاصد تزار ها را برانداختند بلکه بحکومت استثمارگران

دنباله در صفحه ۶

# دیدار من با لنین، داهی کبیر پرولتاریای جهان

سخنرانی رفیق کیان سال ما میروس بهرام (آلخوزه زاده) در سمینار علمی بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین

انقلاب کبیر اکتبر که در تحت رهبری حزب کمونیست روسیه و در زیر سر پرستی ولادیمیر ایلیچ لنین صورت گرفت، خلق های زحمتکش روسیه را از زنجیر اسارت تزاری وستم استثمار گران بطور قطعی رهائی بخشید و تمام گوشه های تاریك جهان را با فروغ اندیشه های لنینی منور ساخت و ملل ستمدیده را بسوی پیکار در راه آزادی و رهائی از اسارت سوق داد.

دنباله درصفحه ۳

# سیمای انسانی لنین

## یك رهبر واقعی

لنین بمثابهٔ یك انسان، جانوره‌ای نیرومند داشت. کسانی که او را ازنزدیك می‌شناختند بحق معتقدبودند که خصال لنین، نمونهٔ انسان آینده جامعه کمونیستی را عرضه میکند. دور اندیشی و خرد همراه با سادگی وفروتنی سختگیری و آشتی ناپذیری نسبت به دشمنان طبقاتی همراه با توجه پرشور نسبت به رفقا، عشق به مردم، عشق به کودکان، دلسوزی دائمی بخاطر خوشبختی انسانها، وفاداری پر شور نسبت به حزب، به طبقه کارگر و باور عمیق به صحت و حقانیت این دو در او جمع بود. «کارگران لنین را چنین توصیف میکردند، «مثل حقیقت ساده است» او رهبر واقعی بشریت نوین بود.

❀

کروپسکایا همسر و همرزم لنین دربارهٔ آخرین هفتهٔ زندگی او و به ماکسیم گورکی چنین نوشت: «تا آخرین لحظه حیات همان ماند که بود، انسانی با ارادهٔ نیرومند، بااعتماد بنفس کامل، حتی در شب قبل از مرگش میخندید، شوخی میکرد و صبحانه به فکر دیگران بود...

## دشمن شخص پرستی

لنین با قاطعیت کامل مخالف هرگونه تجلیل از شخص خود و هر گونه ستایش از خدمات خود بود. او هرگاه با چنین پدیده هائی برخورد میکردصادقانه تاراحت میشد. در سپتامبر سال ۱۹۱۸ عده‌ای از همکاران

دنباله در صفحه ۸

«... طبقه انقلابی برای انجام وظیفه خود باید بر تمام اشکال یا جوانب فعالیت اجتماعی، بدون هیچ استثنائی، تسلط داشته باشد»

و «... طبقهٔ انقلابی باید برای تعویض بسیار سریع و ناگهانی یك شکل با شکل دیگر آماده باشد» (لنین، جلد ۳۱، ص ۷۶)

دنباله از صفحه ۱

## آینده‌ای که لنین میدید

اگر بخواهیم از پیش بینی علمی لنین در بارهٔ سیر آینده امور و از تحقق آنها سخن گوئیم، باید به بررسی مقصلی بپردازیم یعنی بکاریکه در حوصله یك مقاله گنجیدنی نیست. ولی میتوان در باره دو نکته اصلی که در دگرگونیهای عصرما مسائل مرکزی است سخن گفت و نشان داد که لنین، این خرد نیرومند و انقلابی، در دروازه سدهٔ بیستم چگونه سیر آتی کاروان انسانی را در راه خارا گین تاریخ این دوران میدید و چه خوب میدید.

### ۲- چهره جهان آینده

در هیاهوی کاهشان بورژوائی که انقلاب اکتبر را یك خطای اسف انگیز تاریخ جلوه میدادند و با خطوط درشت در سراسر صد ها روزنامه شکست و سقوط عنقریب حاکمیت شوراها را پیش بینی میکردند لنین خوشبینانه چنین مینوشت، «نبرد دو شیوه، دو فرماسیون، دو اقتصاد کمونیستی و سرمایه داری چهره جهان را معین خواهد کرد» (جلد ۴۲ ص ۷۵)

دقت کنید! لنین در یك جمله فشرده با چه اصالتی محتوی اساسی دوران ما را روشن کرده است. او میدید که جامعه نوین سوسیالیستی که انقلاب اکتبر جوانه آنرا رویانده بود، نیرو خواهد گرفت و با جامعهٔ کهن، مغرور و متجاوز سرمایه‌داری وارد نبرد خواهد شد و تمام سیر آتی امور، سیر پر فراز و نشیب این نبرد، نیرو گرفتن بیش از پیش نظام نوین سوسیالیستی، زوال و ضعف بیش از پیش نظام کهن سرمایه داری است. در بارهٔ دلیل علمی این امر لنین مینوشت، «سوسیالیسم سازمان اجتماعی کار عالی تری نسبت به سرمایه داری است و این امر ماهیت و منبع نیرو و وثیقهٔ پیروزی کامل کمونیسم است.» (جلد ۳۹ ص ۱۳). نظری به آهنگ رشد اقتصادی نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی جهان، اتحاد شوروی و مقایسهٔ آن با رائی ترین کشور های سرمایه داری، صحت و اصابت پیش بینی لنین را به روشنی نشان میدهد. اتحاد شوروی طی سال های صلح آمیز بطور متوسط با آهنگ رشد ۱۴ درصد و طی سالهای صلح و جنگ با آهنگ رشد متوسط ۹٫۹ تکامل اقتصادی خود را طی کرده است. آهنگ رشد کشور های سرمایه داری درجه اول جهان (ایالات متحده امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان) در فاصله بین جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی ۲٫۷ در صد و در فاصله بین جنگ دوم جهانی تا امروز بطور متوسط ۳٫۷ درصد بوده است. سرمایه داری این افزایش ناچیز آهنگ رشد را به بهای تلاشهای فراوان بدست آورده است، مانند، افزایش مخارج نظامی تا حد ۳۷ درصد مجموعهٔ بودجه، بسط شدید بازرگانی خارجی، بهره جوئی از انقلاب علمی و فنی، استقرار سیستم سرمایه داری انحصاری دولتی و استفاده از مکانیزم دولت برای مالیاتها، سرمایه گذاری، خرید های عمده، تأمین بازار و غیره و غیره. مثلا برای آنکه دامنه وسیع نظامی کردن اقتصاد که سرمایه‌داری آنرا «اکسیر» نجات خویش میداند روشن شود، کافی است بگوئیم ایالات متحده امریکا از سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۶۸ بیش از یك تریلیون دلار صرف مخارج نظامی کرده یعنی بیش از دو برابر مجموع هزینه های نظامی سراسر تاریخ امریکا تا سال ۱۹۴۵!

پیشرفت اتحاد شوروی درجهت رسیدن رشد اقتصادی با سرعت و قوت حیرت انگیز در جامعه سوسیالیسی شوروی اوج گرفته است. بعنوان نمونه میتوان گفت که مساحت منازل مسکونی نسبت به سال ۱۹۱۴ هشت برابر شده است و تعداد محصلین از همه نوع از قریب ده میلیون در دوران پیش از انقلاب به ۵۰ میلیون رسیده است! و همه این دستاورد ها علیرغم لطمات سنگینی است که امپریالیسم بوسیله جنگ ها و توطئه ها و محاصره های اقتصادی به سوسیالیسم وارد ساخته است و کماکان میکوشد وارد سازد، و گذشتن از رائی ترین کشور های سرمایه داری جهان با سرعت فراوان ادامه دارد.

اگر اتحاد شوروی از جهت حجم تولید صنعتی در پایان جنگ دوم جهانی تنها ۳۰ درصد ایالات متحده امریکا بود، اکنون این میزان به ۷۰ در صد رسیده است! آن موعد دور نیست که شوروی از جهت حجم محصولات صنعتی و سپس از جهت سرانهٔ آن بر امریکا پیشی گیرد.

سطح فرهنگ و رفاه عمومی نیز همراه

کارکنان «مردم» عید باستانی نوروز را به همهٔ خوانندگان عزیز خود صمیمانه شادباش میگویند.

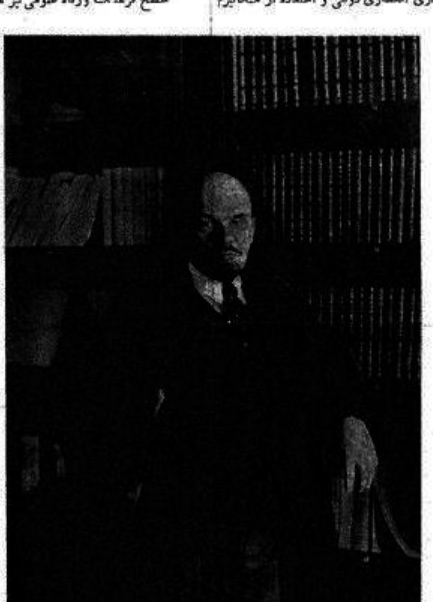

آری پهلوان نوخیز تاریخ نیرو میگیرد و پایگاه سیاست صلح آمیز و انسانی خویش، با ارائهٔ ثمرات عالی خلاقیت میلیونها و میلیونها انسان زحمتکش، لحظه بلحظه قطعی بر سرمایه داری را دمبدم نزدیکتر میکند.

همراه لنین و پیروی او به تحقق قطعی چنین واقعه ای در آینده ایمان داشته باشیم!

### ۳- تحول کیفی در جنبشها

نکته مهم دیگری که لنین در ارزیابی آینده بشر میدید بسط جنبش انقلابی خلقها و تحول کیفی مضمون این جنبش است. به این جملات ژرف لنین دقت کنید: «جنبش اکثریت مردم جهان، که در آغاز هدفش آزادی ملی بود، در نبرد های قاطع انقلاب جهانی آینده، علیه سرمایه داری و امپریالیسم متوجه خواهد شد و احتمالا بمراتب بیش از آنچه که ما انتظار داریم، نقش انقلابی ایفاء خواهد کرد.» (جلد ۴۴، ص ۳۸). این سخنان وخشورانه لنین نیز به تحقق پیوست. جنبشهای رهائی بخش در کادر خالص ملی محدود نماند و چنانکه آنرا در دهها نمونه در آسیا، افریقا، امریکای لاتین دیده ایم و می بینیم، دمبدم سیر رادیکال تری می یابد و طرف تیز آن علیه امپریالیسم و سرمایه داری متوجه میگردد، یعنی بیش از پیش ثابت میشود که رهائی ملی بدون رهائی طبقاتی میسر نیست و لذا بیش از پیش جنبشهای ملی رهائی بخش به متحد نیرومند جنبشهای انقلابی پرولتاری مبدل میشوند، یعنی این جنبش دیگر تنها «ذخیرهٔ» انقلاب جهانی نیست بلکه بخش ترکیبی از کانیك این انقلاب است. بلا رفتن اعتبار سیستم جهانی سوسیالیستی بسبب سردرد های اقتصادی و فرهنگی و سیاست عیقاً بشری و صلحدوستانه اش، تزلزل دائمی اعتبار سیستم جهانی سرمایه داری بسبب معایب عیان اقتصادی و اجتماعی و سیاست عیقاً ارتجاعی، جنگ طبقاتی و ضد بشری آن، تأثیر قاطع در این تحول کیفی جنبشهای رهائی بخش داشته است و دارد تردیدی نیست که جنبش های رهائی بخش برای آنکه به جنبشهائی با قبول رهبری ایده‌ئولوژیك وسیاسی پرولتاریا بدل شوند راه پر فراز و نشیبی را طی میکنند ولی تمام واقعیات عصر ما ثابت میکند که در نیمه راه نمیتوان ماند. کسب استقلال ملی از پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری انفکاك ناپذیر است. در آمیختن جنبش های انقلابی پرولتاری در کشور های رشد یافته سرمایه داری با جنبشهای رهائی بخش که خصلت نوینی کسب کرده اند پروسه واحد انقلابی جهان ما را تشدید وتقویت میکند. آن نیروی سیاسی که قادر است وحدت این پروسهٔ واحد را از جهت خط مشی و عمل تأمین نماید احزاب طراز نوین کارگری است که مارکسیسم ـ لنینیسم را بر پرچم خود نگاشته اند. طبیعی است که راه پیروزی این پروسه

بقیه در صفحه ۵

انقلابیونی که نتوانند اشکال غیر علمی مبارزه را با کلیه اشکال علمی توأم سازند انقلابیون بسیار بدی هستند .

(لنین ، جلد ۳۱ ، ص ۷۶ - ۷۷)

دنبالهٔ از صفحه ۱

# دیدار من با لنین ، داهی کبیر پرولتاریای جهان

زحمتکشان مظلوم جهان و منجمله زحمتکشان ایران و اغلب کشور های خاور زمین نیز برای رهائی از چنگ امپریالیستها و دست نشاندگان آنها در میهن خود یعنی برای نجات از یوغ پادشاهان و اشراف جابر و وطن فروش به جنبش در آمدند و بمبارزه برخاستند .

برای مبارزهٔ پیروزمندانه بادشمنان خارجی و داخلی بر انقلابیون فرض بود که با مارکسیسم ـ لنینیسم مسلح شوند و از تجارب فراوان انقلابی ملل روسیه بهره مند گردند. بدین منظور بود که در سال ۱۹۲۰ کنگره انقلابی ممالک شرق » با شرکت نمایندگان یك سلسله از کشور های خاور زمین در شهر باکو تشکیل گردید . در این کنگره کمونیستهای ایران نیز فعالانه شرکت جستند. در برابر همه انقلابیون یك سلسله مسائل مهم که حائز اهمیت بود قرار داشت و حل صحیح این مسائل بدون مصلحت و مساعدت رهبران پر تجربه پرولتاریای روسیه شوروی بسی دشوار بود . بدینجهت نمایندگان کنگره مزبور بعد از بررسی همه جانبهٔ این مسئله در فرا کسیون های کمونیستی کنگره باین نتیجه رسیدند که از طرف هر یك فرا کسیون و سایر سازمانهای انقلابی دو یا سه نفر نماینده انتخاب شوند و برای دادن گزارش جریان کار های انقلابی و دریافت رهنمود ها و اندرزهای لازمه به نزد لنین کبیر بروند و همچنین به بین الملل سوم کمونیستی ( کمینترن ) اعزام گردند . در آن استالین از جانب بلشویکهای روس در کوچیترین نماینده گی داشت و در عین حال رئیس این مؤسسه نیز بود . کمونیست های ایران تحت سر پرستی حیدر خان عمو اوغلی کمونیست و انقلابی مشهور جلسه‌ای تشکیل دادند و بعد از تبادل افکار برای رفتن بسکو به نزد رفیق لنین و به کومینترن مرا و رفیق دیگری را بنام عوض اوف (از اهالی دهکدهٔ بنشه در بواقع در حومه اردبیل) انتخاب نمودند.

یکی از مسائل مهمی که در آن ایام در برابر انقلابیون ایران قرار داشت «توسعهٔ فعالیت کمیته مرکزی ایران بود . کمیته مرکزی در تاریخ ۲۲ ژوئن سال ۱۹۲۰ در نخستین کنگره حزب انتخاب شده بود «حزب کمونیست ایران تا کنگره اول بنام « حزب عدالت » شهرت داشت و سپس در کنگره اول متعقده در انزلی ( بندر پهلوی فعلی ) نام حزب کمونیست بخود گرفت . بر گزاری این کنگره مگر چه برای کمونیست های ایران موفقیت بزرگی محسوب میشد ولی از برخی کمبودها هم خالی نبود که نتیجه بی تجربگی و بلبلدگی تشکیل دهندگان آن بود . در آن زمان تحلیل صحیح این گونه مسائل برای کمونیست های ایران کار آسانی نبود . بنا براین منطقی بود که در این خصوص از رفیق لنین و کومینترن مصلحت های ضروری خواسته شود .

در کنگره خلقهای شرق منعقده در باکو برای اعزام به سکو قریب ۱۷ نفر نماینده انتخاب شده بود. از طرف حکومت انقلابی آذربایجان برای اعزام نمایندگان مزبور بسکو یك قطار مخصوص راه آهن تجهیز شد که در آن چند واگن برای نمایندگان اختصاص داشت و برای حفظ جان آنان نگهبانان مسلح گمارده شده بودند .

جنگ اول امپریالیستی در روسیه آن روزه ویرانیهای فراوانی بیار آورده بود که رفع کامل آنها حتی در سال ۱۹۱۰ برای مردم روسیه امکان پذیر نشده بود . مداخلات امپریالیست های جهان در کار های انقلابی روسیه و عملیات ضد شوروی طبقات مرتجع داخلی که هنوز بکلی نابودمان نشده بودند ، ادامه داشت . بعلت خرابی خطوط آهن و بمنظور پیش گیری از حوادث غیر منتظره مقدار ما با سرعت معمول لازمه حرکت نمیکرد ، حکومت شوروی برای اینکه واگن های ما با هجوم ناگهانی دشمنان مواجه نگردد بکلیه اقدامات لازمه را بعمل آورده بود. قطار ما از ایستگاه «مزدوك» بسبب مصادمه میان فراقهای انقلابی و ضد انقلابی در تحت حفاظت قطار زره پوش که با توپها مجهز بود براه خود ادامه میداد . ما گاهی اوقات از واگونهای خود میدیدیم که چگونه فراقهای سرخ فراقهای مرتجع را تعقیب میکنند .

به حال بسکو رسیدیم ، لنین کبیر در آن روز ها سخت بیمار بود و دکتر ها شرکت او را در کار های حزبی و دولتی بطور قطع منع کرده بودند . لیکن ما در آنزمان بسبب نابلدگی خود و ثانیاً نظر باینکه ملاقات با لنین و اخذ مصلحت ها و راهنمائیها را ازوی اکیداً بما توصیه کرده بودند، به دستور دکتر ها رضایت نشان ندادیم و نخواستیم رفیق لنین را نبینیم و رهنمود های او را از خود وی نشنیده باز گردیم . ما خواهش مؤکد کردیم که رفیق لنین ما را بحضور خود راه دهد ، سرانجام در نتیجهٔ خواهشهای مکرر خود موفق شدیم که بحضور رفیق لنین برسیم .

ما در یکی از عمارات کاخ کرملین در اطاقهای پهلوی خوابگاه رفیق لنین گرد آمدیم . کمی نگذشت که رفیق لنین باهمان حالت بیماری ، در خوابگاه خود را گشوده به اطاقی که ما نشسته بودیم وارد شد . ما از جا بر خاستیم و رفیق لنین را با خرسندی تمام استقبال کردیم . این اطاق آنقدر بزرگ نبود و در وسط آن یك میز بزرگ دراز گذاشته و در اطراف آن صندلیهائی چیده بودند . رفیق لنین بکنار میز آمده و نشست ، دوست راست لنین یك بانوی مسنی نشست که نامش در خاطرم نمانده است . در سمت چپ لنین استالین نشست ، کمی دورتر از میز در کنار دیوار رفیق چیچرین وزیر امور خارجه وقت نشست . رنگ و روی چیچرین پریده بود و معلوم بود که او نیز مثل رفیق لنین بیمار است . وی گرچه در ردیف ما نشسته بود ولی به گفتگوها و اطلاعاتی که میدادیم با دقت گوش میداد .

در این وقت رفیق ارژونیکیدز داخل شده و در پشت سر لنین به لب پنجره‌ای که

لنین در هیئت رئیسه کنگرهٔ انترناسیونال

بطرف حیاط گشاده میشد تکیه کرد و ایستاد.

ما در حضور رفیق لنین خود را بسیار آزاد احساس میکردیم و راز دل خود را کاملا بی پرده و آزادانه بیان نمودیم . وقتیکه یك نفر از نمایندگان داغستان از عملیات رفیق ارژونیکیدزه هنگام کارش در داغستان انتقاد کرد، رفیق ارژونیکیدزه درصدد پاسخ بر آمده لیکن رفیق لنین سر را بجانب وی گردانده و او را بسکوت دعوت کرد ، ارژونیکیدزه خاموش ماند . بدینطریق لنین کبیر امکان کامل داد که نمایندهٔ مذکور سخنان تنقید آمیز خود را کاملا آزادانه بیان دارد و تمام کند .

من در این مجلس سخنران دوم بودم . بعد از سخن نماینده یکی از خلقهای آسیای میانه بمن اجازه صحبت دادند . من درباره بعضی نقاص مربوط به تشکیل و تهرست کاندید های انتخابات کنگره اول کمونیست های ایران که در این تهرست نامزد های کمیته مرکزی داخل نگرده بودند ولی نام یك سلسله رفقائی را در فهرست که هنوز از یك مرحلهٔ امتحان جدی گذشته و در هیچ یك از جنبش های انقلابی شرکت نجسته و در هیچیك از عملیات جدی انقلابی صداقت خویش را نشان نداده بودند .

رفیق لنین بحرفهای ما با دقت گوش میداد لیکن از قرار معلوم طبق تأکید و دستور دکتر ها وی پاسخ دادن به سخنان ما را به استالین واگذار کرده بود . همه ما از اینکه رفیق لنین را بچشم خود دیده و درد دل خود مان را آشکارا و بی پرده برای او بیان کرده بودیم و از اینکه رفیق لنین با وجود بیماریش ما را بحضور پذیرفته بود بسی خرسند و خوشوقت بودیم .

از قرار معلوم رفیق لنین فقط به بیاناتی که در جلسه و از جواب ما گفته شده بود

دنباله در صفحه ۴

ایران که در نتیجه بی تجربگی و فقدان سازمانهندگان آن کنگره روی داده بود اظهار عقیده و انتقاداتی کردم و بعضی فاکتها را بیان آوردم . مثلا نام حیدر عمو اوغلی که از قدیمیترین و صادقترین انقلابیون آن دوره ایران بود و همچنین نام برخی از رفقای مشهور دیگر ایران را در فهرست نامزد های صورت کمیته مرکزی داخل نکرده بودند ولی نام یك سلسله رفقائی را در فهرست

مارکسیسم هرگز به اشکالی از مبارزه که در یك دوره معین ممکن و موجود است اکتفا نمیکند، بلکه با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی ـ ناگزیری پیدایش اشکال تازه‌ای از مبارزه را که رهبران آن دوره از آن بیخبرند ـ برسمیت میشناسد.

(لنین، جلد ۱۱، ص ۱۸٦)

لنین در باره

# مبارزه برضد ایدئولوژی خرده بورژوائی

مقاله‌ئی که ترجمه و تلخیص آن در زیر به نظر خوانندگان گرامی «مردم» میرسد در شماره ۲۱ نوبهٔ ۱۹۷۰ روزنامه «پراودا» ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی بچاپ رسیده است. از آنجا که در میان ما و جنبش ما نیز ایدئولوژی خرده بورژوائی و تظاهرات اپورتونیستی راست و چپ، آن قابلیت دارد و همچنین بمناسبت صدمین سالروز تولد لنین، مقاله این مقاله برای خوانندگان گرامی «مردم» سودمند شمرده شد.

«مردم»

سوسیالیسم، که در یك سوم جهان پیروز شده است، در نبرد جهانی برای جلب عقول وقلوب مردم هر روز موفقیتهای جدیدی بدست میآورد. هر روز قشرهای وسیعتری از توده‌های زحمتکش بدور طبقه کارگر انقلابی، بدور احزاب مارکسیستی ـ لنینیستی او گرد میآیند. زیرا امروز فقط سوسیالیسم قادر است که معضلات اساسی بشریت را حل کند، استثمار انسان از انسان و ستم ملی را از بین ببرد، تکامل فارغ از بحران اقتصاد را بسود مردم تأمین کند، حقوق سیاسی و اجتماعی زحمتکشان را تضمین نماید و شرایط لازم را برای تحقق دموکراسی واقعی، برای شرکت توده‌های وسیع زحمتکش در رهبری جامعه، برای تکامل همه جانبه شخصیت انسان، برای تساوی ملتها و دوستی بین خلق ها بوجود آورد.

طبقه کارگر و احزاب مارکسیستی ـ لنینیستی او مبارزان پیگیر منافع همه مردم زحمتکش اند. همکاری روز افزون دهقانان، قشرهای متوسط شهری و روشنفکران با طبقه کارگر در مبارزه برضد امپریالیسم و بخاطر دموکراسی و سوسیالیسم مبین این واقعیت است.

لنین طبقه کارگر و کمونیست ها را دعوت میکرد که در مبارزه بر ضد نیرو های ارتجاع پیوسته به قشرهای غیر پرولتری شهر و ده و قبل از همه دهقانان زحمتکش تکیه کنند. و درست همان اتحاد محکم طبقه کارگر و دهقانان و قابلیت حزب بلشویکها در جلب توده های روشنفکر زحمتکش بود که پیروزی انقلاب سوسیالیستی، دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم را در کشور ما تأمین کرد.

در همانحال لنین خطر نفوذ خرده بورژوائی را در جنبش کارگری خاطر نشان میساخت و میگفت که هرگونه کم بها دادن به این خطر میتواند راه را برای نفوذ یك ایدئولوژی دشمن مارکسیسم ـ لنینیسم در جنبش کمونیستی باز کند. لنین مینویسد: «مادام که بورژوازی ساقط نشده و پس از آن تا زمانیکه اقتصاد خرده و تولید خرده کالائی بکلی از بین نرفته است، وضع خرده بورژوائی، عادات ناشی از مالکیت و منتهای خرده بورژوائی به کار پرولتری هم درخارج و هم در داخل جنبش کارگری زیان میرساند.» (کلیات آثار روسی ـ جلد ٤۱ ص ۱۰۳)

گذار قشرهای غیرپرولتری زحمتکشان به مواضع طبقه کارگر و سوسیالیسم بوسیله خود منطق مبارزه طبقاتی و در جریان حوادث تاریخی انجام میگیرد. و همین است که دائما توهمات خرده بورژوائی را در هم میشکند و صحت سیاست سوسیالیستی و درستی نتیجه گیریهای مارکسیستی ـ لنینیستی را تایید میکند.

ولی توهمات خرده بورژوائی درموقعیت تاریخی جدید و در ارتباط با اوضاع و احوال تازه و بمناسبتهای گوناگون تجدید میشود. لنین مینویسد «سخت جانی این پیشداوریهای دموکراتهای خرده بورژوا بطور اجتناب ناپذیری با دوری آنها از مبارزه عمده طبقاتی مربوط است» (جلد ۳۷ ـ ص ۹۲)

تکامل سرمایه داری به مرحله امپریالیستی آن بطور اجتناب ناپذیری به از بین رفتن قشرهای «قدیمی» تولید کنندگان کوچك (دهقانان و پیشه وران) و ایجاد و توسعه قشرهای جدید منجر میشود. پروسه انقلاب علمی و فنی، رشد کارمندان دفتری شرکتها و بانکهای سرمایه داری، توسعهٔ کارمندان فنی و روشنفکران ـ همه اینها منجر به ایجاد گروههای اجتماعی متعددی میشود که در شرایط سرمایه داری ما قبل انحصاری دارای وزن بسیار کمی بودند. بخصوصیت این گروهها اینست که نمایندگان آنها موقعیت بینابینی اشغال میکنند و موقتا بین طبقه کارگر و بورژوازی بزرگ که در توان اند. «قشر فوقانی» این گروهها از امتیازات معینی برخوردارند که آنها را برتر از وضع کارگران ساده قرار میدهد. از جانب دیگر تا اینحد وضع اجتماعی و مادی آنها، فشار قدرت بورژوازی و دستگاه قدرت بورژوکراتیك انحصارها انگیزه ای برای اکثریت آنهاست که مبارزه بر ضد امپریالیسم برخیزند. این عوامل موجب نزدیکی آنها به طبقه کارگر و سایر نیروهای ضد امپریالیستی میگردد.

پروسه تلاشی سیستم مستعمراتی بورود دهقانان و توده های زحمتکش این کشورها در زندگی فعال سیاسی منجر شده است. در گذشته آنها از سیاست بر کنار بودند و تحت فشار امپریالیسم، که با اعمال زور و بنام تسلط مشتی استثمارگر بیعقل کامل سیاسی را به مردم تحمیل میکرد، قرار داشتند. در مبارزه بر ضد امپریالیسم خلقهای کشورهای رشد یابنده در وجود نیروهای سوسیالیسم و جنبش کارگری متحد طبیعی خود را مییابند. برخی از این کشورها در راه تکامل غیر سرمایه داری گام گذاشته اند. در همانحال سیاست نواستعماری امپریالیسم، فقدان طبقه کارگر رشد یافته و شیوع بیسوادی بناچار درجریانات ایدئولوژیك این کشورها، که راه تکامل مستقل را در پیش گرفته اند، منعکس میگردد.

در کشورهای سوسیالیستی نیز در دوران اولیه قشرهای خرده بورژوازی هنوز وجود دارند که نمیتوانند بلافاصله پس از انقلاب سوسیالیستی اصول مارکسیسم ـ لنینیسم را بطور ارگانیك بپذیرند و مانند طبقه کارگر موضع بگیرند. پروسه تجدید تربیت و تجدید جهت یابی آنها دورانی طولانی بطول میانجامد. این قشرها بتدریج بساختمان جامعه نوین جلب خواهند شد ولی تا مدت نسبتا طولانی عادات و عقاید خود را، که گاهی ظاهرا «ناگهان» بروز میکنند حفظ میکنند.

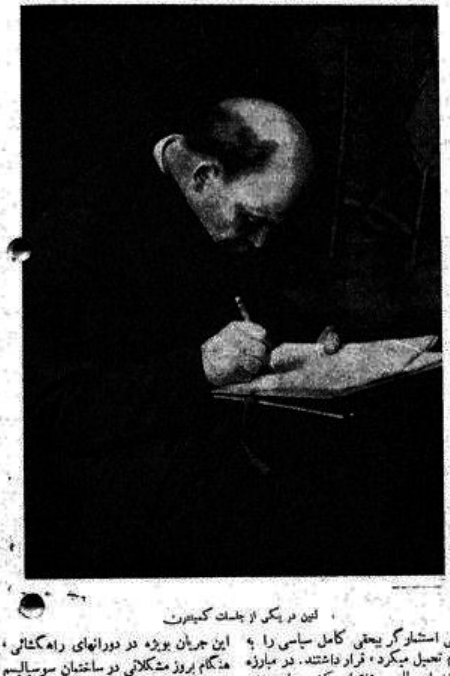

لنین در یکی از جلسات کمینترن

این جریان بویژه در دورانهای راه‌گشائی، هنگام بروز مشکلاتی در ساختمان سوسیالیسم و در زمان تشدید مبارزه بین سوسیالیسم و امپریالیسم روی میدهد.

لنین تأکید میکند که پس از کسب قدرت، سیاست اقتصادی دولت سوسیالیستی اهمیت عظیمی کسب میکند. یعنی تسلط بر آنچنان شیوه های رهبری که امکان محاسبه و کنترل را تضمین میکند و اثر بخش ترین سازمان کار تمام جامعهٔ سوسیالیستی را تأمین مینماید.

گرایشهای خرده بورژوائی، بر حسب شرایط مشخص تاریخی دارای بیان ایدئولوژیك گوناگونی است. ولی ماهیت ارتجاعی ایدئولوژی خرده بورژوائی بطور اجتناب ناپذیری در این واقعیت منعکس میگردد که این ایدئولوژی میکوشد خود را در مقابل ایدئولوژی سوسیالیستی و پرولتاریائی قرار دهد. و در همین جاست که درتضاد با منافع اساسی واقعی توده های زحمتکش قرار میگیرد.

این جریان آشکارا در تجدید نظر در

# چگونگی شکل اعمال جبر را درجه تکامل طبقه انقلابی و سپس اوضاع و احوال خاص نظیر مثلا ارثیه جنگ طولانی و ارتجاعی و آنگاه اشکال مقاومت بورژوازی و خرده بورژوازی معین میکند.

(لنین، جلد ۲۷، ص ۲۳۸)

مارکسیسم ـ لنینیسم از راست و از «چپ» نمایان میگردد. در ظاهر مواضع رویزیو ـ نیستهای راست و «چپ» باهم آشتی ناپذیرند. ولی از آنجا که پایه ایدئولوژیك اپورتونیسم راست و ماجراجوئی «چپ» یکی است ـ این پایه عبارتست از نوسان و تاثیرگیری آن قشر های اجتماعی که با تصورات خرده بورژوائی آلوده شده‌اند. این انواع رویزیونیسم گرایشهائی را در بر میگیرند که با هم پیوند دارند. هر گونه تلاش برای از بین بردن پیوند بین نظریات رویزیونیستی راست و اپورتونیسم «چپ» بیهوده است. لنین پیوند بین هر دو شکل اپورتونیسم را عمیقا افشاء و نشان داده است که این دو از یکدیگر تغذیه میکنند، که آنها یك اندازه با مارکسیسم و اصول جنبش کمونیستی بیگانه اند.

*

افکار رویزیونیستی، که از ته مانده ناسیونالیسم برمیخیزند، بر اساس نقش سیاسی و اجتماعی خود بطور عینی در چارچوب تلاش های ارتجاع امپریالیستی، که هدفش تفرقه اندازی بین نیرو های ضد امپریالیستی و ضربه زدن به نیروهای اصلی سوسیالیسم و قبل از همه اتحاد شوروی است، عمل میکنند. حملات رویزیونیستهای خرده بورژوا علیه اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی برای بورژوازی تاثیر کمتری از حملات رو در رو و آشکار ایدئولوگهای امپریالیستی ندارد. علاوه بر این ایدئولوژی بورژوازی امپریالیستی زمانی میتواند بشکلی از اشکال و کم و بیش به پشتیبانی توده ای امید داشته باشد که خودرا با ایدئولوژی خرده بورژوائی پیوند دهد. در همین جاست خطر سیاسی تلاشهای خرده بورژوائی، که پدیده های بین المللی را جدا از مبارزه دو سیستم متضاد سیاسی و ارتجاعی مورد بررسی قرار میدهد. ایدئولوژی خرده بورژوائی میتواند وسیله تعلق سیاست ضد کمونیستی قرار گیرد. عناصر خرده بورژوا در این آرزو که «آزاده» باشند و در وراء طبقات و احزاب قرار گیرند، پیوند های خود را میبرند و فعالیت نیروهای امپریالیستی را تسهیل میکنند.

کمونیستهای واقعی از موضع آشکار طبقاتی بمقابله با اقدامات تجاوز کارانه نیرو ـ های امپریالیستی و ملیتاریستی برمیخیزند، حملات آنها را بطور شایسته دفع میکنند و فعالانه برای تخفیف وخامت اوضاع، پیشرفت در زمینه مناسبات بین المللی، تأمین صلح و امنیت خلقها مبارزه میکنند. رویزیونیسم خرده بورژوائی به این سیاست تنی نمیدهد. او با دچار روحیه افراطی جنگ طلبانه میشود و میکوشد که خلقها را به یك جنگ همه ای بکشاند و یا برای سازش و موافقت های غیر اصولی عمومی و آشکار با نیرو های امپریالیستی آمادگی نشان میدهد. و این مواضع با تئوریهای شتابناك غیر طبقاتی، با کوشش برای پوشاندن تضاد اصلی دوران ما و پیش کشیدن عوامل منطقه ای، ملی و نژادی توجیه میشود.

ناسیونالیسم در مبارزهٔ ایدئولوگ های بورژوا و خرده بورژوا بر ضد اصول مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری وسیله اصلی شده است. در نتیجه خود روز افزون اندیشه های مارکسیستی ـ لنینیستی در جهان ایدئولوگ های خرده بورژوا معمولا میکوشند که عدول خود را از اصول مارکسیسم ـ لنینیسم پنهان کنند، بدین ترتیب که وانمود میسازند که آنها برای تکامل مارکسیسم ـ لنینیسم و انطباق آن با شرایط و مقتضیات کنونی میکوشند. ولی در واقع آنها تلاش میکنند که مارکسیسم ـ لنینیسم را با خود خواهی ملی خود «منطبق» سازند. خود خواهی ملی به ایجاد آئین ها و نظریاتی منجر میشود که هدفش توجیه اعمالی است که با اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی مباینت دارد و سیاست بازی غیر اصولی را جانشین سیاست دیگر مبتنی بر پایه طبقاتی میسازد.

در دوران ما پیوند بین ایدئولوژی امپریالیستی و ایدئولوژی خرده بورژوائی و اشکال ارتجاعی و ضد سوسیالیستی بروز آن بیش از پیش آشکار میشود. تلاش خرده بورژوازی برای یافتن «وسیله نجات بخشی برای حل همه مسائل» بشریت، که از وضع متضاد اجتماعی وی سرچشمه میگیرد، با تلاش ایدئولوگهای امپریالیستی برای یافتن وسیله نجات امپریالیسم، که از نظر تاریخی دورانش بپایان رسیده، یکی است.

فاشیسم که تلاش سرمایه داری انحصاری برای نجات خود بوسیله دیکتاتوری تروریستی آشکار و سیاست ماجراجویانه بود، درعین حال پرچمب ایدئولوژی خرده بورژوائی داشت.

*

موفقیت مبارزه برای ترقی اجتماعی بمقیاس زیاد وابسته به آنست که توده های زحمتکش غیر پرولتر در کشور های سرمایه داری از چه کسی پیروی کنند. کمونیستها موظفند تمام نیروی خود را بکار برند تا این توده ها از منافع خود پیروی کنند و از نظر سیاسی با جنبش کارگری و کمونیستی متحد گردند. نیرو های ضد کمونیستی مدرن میکوشند توده های غیر پرولتر را از جنبش کارگری و کمونیستی جدا کنند. آنها بدین منظور هم از جمله پردازی «ماورا چپ» و هم از ایپورتونیستهای راست استفاده میکنند. کمونیستها موظفند تمام نیروی خود را بکار برند تا این توده ها تسلیم این پیشداوریها، که از طرف نیرو های ضد کمونیستی فعالانه تبلیغ میشود، نگردند.

تجربه تاریخی آشکارا نشان میدهد که اگر قشر های خرده بورژوائی غیر پرولتری بطور عینی با سیاست ضد سوسیالیستی بورژوائی دو آمیزند، بعنوان نیروی مغرب و دشمن ترقی اجتماعی عمل میکنند. برعکس اتحاد با جنبش کارگری و کمونیستی در مبارزه، به قشر های غیر پرولتر امکان میدهد که بهدفهای مثبت خود برسند و به آزادی از یوغ امپریالیسم و استثمار دست یابند. تحقق منافع واقعی قشر های زحمتکش غیر پرولتر فقط با مبارزه در راه دموکراسی حقیقی، ترقی اجتماعی، آزادی و سوسیالیسم و در پیوند نزدیك با طبقه کارگر و تحت رهبری احزاب مارکسیستی ـ لنینیستی ممکن است.

دنباله از صفحه ۲

## آینده ای که لنین میدید

هموار نیست و تنها از طریق مبارزهٔ سرسخت و جسورانه میتوان آنرا تا پایان ظفر بخش طی کرد. باید، چنانکه لنین گفت، در پیچ و خم راه و زیگزاگ تاریخ گمراه و مأیوس نشد، دورنما را از دست نهشت. باید، چنانکه لنین گفت، «در امر فوق العاده دشوار توانست چندین بار از نو شروع کرد، شروع کردی، در بن بست ده بار کارت را تغییر بده، ولی سرانجام به مراد خویش دست یاب!»

## ٤ ـ خوش بینی انقلابی

بینش بینی علمی لنین از آینده بشر برانگیزنده احساس خوش بینی و نشاط انقلابی است. امپریالیسم، با آنکه کماکان نیرومند است، ولی در زیر بار جنایات رنگارنگ شود که کمتریش براه انداختن جنگهای خونین و غارت بیدریغ جهان است خورد و مدفون خواهد شد. سوسیالیسم، با آنکه نظامی است نوین و هنوز باید برای غلبه نهائی اقتصادی خود راه معینی را در سنگلاخ زمان طی کند، با تمام فضایل معنوی و انسانی خود بیش از پیش خواهد درخشید و همه گوشه های تاریك جهان ما را روشن خواهد ساخت. جای یأس و لند لند، باید برای مبارزه بازو گشاد و در روزهای دشوار در سنگر اعتقاد انقلابی خود سرسخت ایستاد. برای میهن ما نیز شب ابدی نیست. تاجداران کاخ نشین، غارتگران خلق، چاکران امپریالیسم مسلما نابود خواهند شد. مردم زحمتکش میهن ما مسلما رشته سرنوشت خود را بدست خواهند گرفت. ایران مسلما بسوی سوسیالیسم خواهد رفت و به جنبش عمومی تکامل عصر ما خواهد پیوست. کسانیکه به پیش بینی لنین در باره سیر تاریخ ایمان دارند، باین نتیجه گیریها نیز ایمان دارند.

ا. سپهر

دنباله از صفحه ۳

## دیدار من با لنین

اکنتا نورزیده و برای تحقق فکر خود درباره خواستهای ما رهنمود مخصوصی داده بود که ما آن را بحش بازگشت به باکو دیده و احساس کردیم. کمونیستهای صدیق ایرانی با کمك کمیترن و بانگاه رهنمودهای رفیقانه لنین توانستندبر رهبری حزب وضع نوین پدید آورند. حیدر خان عمو اغلی مقام شایسته خود را در کمیته مرکزی اشغال کرد.

بعد از این تاریخ اعضای حزب کمونیست ما که از یاری و راهنمائی لنین کبیر دلگرم شده بودند، تحت رهبری حیدر خان عمو اغلی دبیر مسئول نوین حزب در اجرای مواد برنامه حد اقل حزب با کمال جدیت کوشیده و با وحدت تمام کار میکردند و از هیچ دشواری باك و هراسی نداشته و برای ترویج و تحقیق افکار عالی لنین در شرق و تربیت مبارزان صادق راه آزادی زحمتکشان از اسارت امپریالیستها چاکرانشان در وطن ما هر گونه سختی را متحمل میشدند. بطوریکه عده‌ای از فعالین جدی از قبیل رهبر حزب حیدرخان عمو اوغلی، اعضای کمیتهٔ ایالتی گیلان، نصر الشیخ اوف میرباقر زنجانی، ارباب زاده تبریزی و عدهٔ دیگر از پیروان رشید و صادق حیدر علی نبرد های تن بر ابر با دشمنان جان خود را فدای خلق زحمتکش ایران نمودند. گرچه آنان باجرای کامل مواد برنامهٔ حزب موفق نشدند ولی در عین حال کادر هائی پرورش دادند و تخم افکار عالی لنین را در شرق نزدیك کاشتند که بی شبهه زحمتکشان از میوه های شیرین آن بهره مند شده و خواهند شد.

آری لنین کبیر در زمان حیات خود با افکار انسانی و انقلابی خویش روسیه را از زنجیر ستم سرمایه داران نجات داد و برای رهائی دیگر ملل زحمتکش جهان از یوغ سرمایه راه صحیحی را نشان داده و آن راه را با پرتوهای مارکسیسم ـ لنینیسم روشن نمود.

بهرام سیروس

## توجه

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین منتخبات لنین برمبانی فارسی در چهار جلد تجدید چاپ خواهد شد. جلد اول بزودی انتشار خواهد یافت.

تغییر شماره حساب بانکی یك ایرانی

ماهنامه مردم، مجله دنیا و مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است.

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

**کشور های عقب مانده بکمك پرولتاریای کشورهای پیشرو میتوانند بدون طی مرحله رشد سرمایه داری به نظام شوروی و پس از طی مراحل معین رشد به کمونیسم برسند .**

(لنین ، جلد ۴۱ ، ص ۲۴۶)

دنباله از صفحه ۱

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

داخلی و خارجی و جور و ستم حکام و عمال آنان خانه دادند . دانش ژرف و نبوغ فکری لنین ، بینش وسیع و همه جانبهٔ وی توأم باعمل پیگیر انقلابی ورهبری داهیانه‌اش تفش قاطعی در موقعیت نخستین انقلاب سوسیالیستی و پیدایش اولین دولت سوسیالیستی جهان ایفا نموده است .

از آن پس تحول بنیادی عظیمی در جامعه فرتوت انسانی رویداد و دوران جدیدی در تاریخ بشریت آغاز گردید که مضمون اساسی آن گذار از رژیم سرمایه داری به سوسیالیسم است .

لنین دانشمند برجسته و انقلابی بی همتا که تنها میراث عظیم مارکس و انگلس ، بنیاد گذاران سوسیالیسم علمی را از دستبرد انقلابی نمایان چپ و راست حفظ نمود بلکه در ارتباط با واقعیت و عمل انقلابی زمان خود وتغییراتی که پس ازمرگ مارکس وانگلس در اوضاع جهان رویداده بود با کشفیات علمی وسیاسی وتعالیم داهیانه خود گنجینه گرانبهای سوسیالیسم علمی را بنحو شایانی غنی تر ساخت . در این مورد سهم لنین چنان ارزنده و درخشان است که نام او با نام بنیاد گذاران دانش سوسیالیسم علمی توأم گردید و پس از مرگش تئوری انقلابی طبقه کارگر مارکسیسم-لنینیسم خوانده شد .

لنین دیرتر مارکسیسم اوضاع اجتماعی و تاریخی گوناگون را مورد بررسی قرار داد و بر پایهٔ تغییراتی که بوقوع پیوسته بود احکام نوئی اختراع نمود و تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه بسط داد . لنین بر اساس شرایط مبارزهٔ طبقاتی استراتژی و اصول متناسب تاکتیکی جنبش انقلابی طبقهٔ کارگر را روشن ساخت ، برنامه عمل آن و شرایطی را که ستاد جنبش ، یعنی حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر ، ضرورتاً باید برای پیروزی در نبرد خود علیه امپریالیسم و ارتجاع دارا باشد تعیین نمود .

تعالیم لنین نه تنها کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و ده روسیه را قدم بقدم برای عمل انقلابی آماده ساخت و نخستین انقلاب پرولتری جهان را سازمان داد و به پیروزی رساند ، بلکه همچون چراغ تابانی راهنمای مبارزات انقلابی طبقهٔ کارگر بین المللی برای رهائی از قید استثمار گردید .

لنین انترناسیونالیست پیگیر ، مجاهد راه تساوی حقوق ملل و صلح و دوستی میان ملتهاست . لنین دوست همه ملل ستمکش و کسی است که راه مبارزه پیروزمندانه علیه استعمار ، راه آزادی خلقها و نیل به استقلال ملی و حق تعیین آزادانهٔ سرنوشت را بآنها نشان داد .

## حق شناسی مردم ایران از لنین

بمناسبت جشن صدمین سال تولد لنین بزرگ لازم میدانم قسمتی از مشاهدات خود را در مورد قدر دانی و حقشناسی و علاقهٔ مردم ایران به لنین در نیم قرن پیش ، برای اطلاع خوانندگان عزیز ماهنامه مردم یادآور شوم .

در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۲۹۶ دمو کراتهای آذربایجان که تشکیلات آنها از ۵ سال پیش مخفی بود و تحت تأثیر انقلاب اکتبر علنی گردید و تا تشکیل کنگره وسیع باز کمیته سری آنرا رهبری میکرد تلگراف مفصل تشکر و تبریك باعضای شیخ محمد خیابانی به لنین بزرگ مخابره کردند و جواب محبت آمیزی رسید که متن هر دو تلگراف درفوق - العادهٔ روزنامهٔ تجدد چاپ و منتشر گردید چون متن آن دو تلگراف کاملا در خاطرم نمانده است برای اینکه مبادا تحریفی رخ بدهد ، متأسفانه نمیتوانم از متن آنها سخنی بگویم .

* * *

در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۲۹۶ در مسجد جامع تبریز تمام طبقات مردم اجتماع کردند ، بطوریکه مسجد بآن بزرگی و حیاط وسیع آن و اطراف پر از جمعیت بود . تعداد جمعیت را ده هزار نفر میگفتند . اولین ناطق حاج میرزا علی اکبر معروف به مجاهد بود ، از بیانات او آنچه بخاطرم است چنین است . او گفت ، لنین دوست مظلومین و دشمن ظالمین است . او تاج و تخت امپراطور را در روسیه سرنگون کرد ، هم روسیه را هم سایرین را و بیش از همه ما را که در دست او اسیر مانده و چیزی باضمحلال ما باقی نمانده بود خلاص نمود . او بزرگترین و بهترین دوست و حامی ما است . ما حالا خرسند و شکر گذاریم و روح شهدای ما شاد است زنده و فیروزباد لنین .

* * *

در دوره چهارم مجلس شورای ملی روزیکه قرار داد ۱۹۲۱ ایران و شوروی مطرح و تصویب شد ، باغ بهارستان و میدان جلو مجلس و اطراف پر از جمعیت بود . این روز روز با اهمیتی بود . نطق مفصل سلیمان محسن اسکندری را که از طرف فراکسیون پارلمانی حزب اجتماعیون عامیون سخن میگفت و یکی از نطقهای بسیار پر هیجان و مهم او در چند دوره مجلس است باید بخاطر آورد . او از لنین بسیار تجلیل کرد و در آخر نطق خود گفت : اگر انقلاب کبیر اکتبر و لنین نبود امروز این مجلس و من و شما وجود نداشتیم و در اینجا نشسته بودیم تا سخنی بگوئیم .

* * *

پس از آنکه بانك استقراضی روس به ایران واگذار شد و از طرف دولت مرتضی خان ممتازالملك و علیرضا خان بهاء الملك بعنوان امنای دولت معین شدند چند تن از روز - نگاران با ممتاز الملك مصاحبه کردند آنچه که در روزنامهٔ ستارهٔ ایران خواندم و آنقدریکه در خاطرم مانده این است ، ممتاز الملك گفته بود ، مراجعه بدفاتر و اسناد بانك حتی بطور اجمال نشان میدهد که ما در چه بلائی گرفتاربوده ایم و دولت تزار با دسائس دولت انگلیس ما را از لحاظ اقتصادی به چه مضیقه ای دچار کرده بوده است دیگر رمقی باقی نمانده بود که لنین بداد ما رسید . این سخاوت و بخشش لنین بسیار پر ارزش است و رها شدن ما از این بلا و خلاصی از زیر بار این فروش کمرشکن و جان بدر بردن فقط با دلسوزی و همت لنین میسر شده است .

از نامه رفیق کهسال ما زین العابدین کیمی

> « ... حکومت شوروی که تمام وظائف خود را در زمینه همبستگی بین المللی با مبارزهٔ کارگران تمام کشور ها علیه تسلط سرمایه و در راه سوسیالیسم باثبات قدم انجام داده است در آینده نیز با تمام نیروئی که در اختیار دارد برای کمك به جنبش جهانی سوسیالیستی و تأمین و تسریع موفقیت راهی که جامعه بشری را از یوغ سرمایه و از پردگی مزدوری نجات میدهد و موجبات ایجاد جامعه سوسیالیستی و صلح پایدار و عادلانه را میان ملل فراهم میسازد ، مجاهدت خواهد ورزید .
>
> (لنین ، جلد ۲۷ ، صفحه ۱۷۴)

## سرودی در ستایش لنین

یاشفت دنیا و خون همچو سیل
برون رفت از اندازهٔ حد و کیل
ز هر کشوری بی ثمر کشته شد
بهر جبهه ای کشته ها پشته شد
فراخواند قحط و غلا یوم جنگ
جز این نیست آوردهٔ شوم جنگ!
جهانی همه چشم در انتظار
که چون صلحی ازنوشود برقرار؟
در این کیر ودار آنچنان مرد کو؟
که او افکند بانگ بر جارسو؟
همی بر درد پرده ازروی جنگ
جهان باز گرداند ازسوی جنگ
چنین مرد پرورده بودش زمان
که پاسخ دهد بر امید جهان
چو خورشید پرتوفشان بر زمین
لنین بود داهیِ عصر آفرین!
که زد دست بر حربهٔ انقلاب
وز «اکتبر» افروخت چون آفتاب
یکی جاودان نور گیتی فروز
ره نهضت مردمان باز شد
سوی عصر نو رفتن آغاز شد
سر مایهٔ فتنه سرمایه بود
که ازجنگ وخونش همی پایه بود
کشید او بخاك وبخون پاك جهان
که از خوان یغما برد بهره خان
لنین راه وارستگی باز کرد
سخن را همی رو بسرباز کرد
ز هرسوی هر کس که میباخت سر
همه برزگر بود یا کارگر
لنین دست سرباز فرسوده را
سه و اندهِ سالی نیاسوده را
گرفت و بدامان مردم افشاند
ز قربانی سود خواران رهاند
یکی جبهه آراست از مردمان
که در راه مردم فشانند جان
نه تنها خود ازجنگ برداشت دست
کمر را ز جنگ جهانی شکست!

*

جهانا وجودی چنین را بیال
مهین سالاگرد لنین را بیال
چنین کس که پیدا شود هر زمان
چنو را بخاطر ندارد جهان
که هنگام چشم زمان دیده است
که چون کار او کار بشنیده است
ز میلاد وی قرنی از سر گذشت
رخ ورنگ گیتی دگر گونه گشت
زید تا جهان هست نام لنین
بر او و به خزبش هزار آفرین!

علی امیرخیزی

**ما تأثیر عمدهٔ خود را در انقلاب جهانی به نیروی سیاست اقتصادی خویش اعمال میکنیم . . . مبارزه در مقیاس جهانی باین عرصه منتقل شده است .**

(لنین ، جلد ۳۲ ، ص ۴۱۳)

دنباله از صفحه ۶

## پیام کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

نظر بهمین جهات است که اکنون در سراسر جهان خلقها و توده های زحمتکش خویشتن را برای بزرگداشت میلاد فرخندهٔ لنین ، این نامی ترین مرد جهان معاصر ، این انقلابی داهی ، این دوست صدیق توده های زحمتکش ، این دانشمند بزرگی که سراسر زندگی بر افتخار و دانش و پیش سرشار خود را وقف خدمت بطبقهٔ کارگر و رهائی کلیه توده ها و خلقهای جهان نموده است ، از دل و جان آماده میکنند .

لنین — دوست بزرگ مردم ایران

لنین دوست صدیق مردم ایران ، پشتیبان واقعی و پیگیر استقلال و آزادی کشور ما و جنبش رهائی بخش آنست . کمتر کشوری در جهان تا این درجه استقلال و تمامیت ارضی خود را مرهون زحمات وافدا . مات انقلابی لنین و پیروزی انقلاب کبیر اکتبر است .

علاقه صادقانه و دوستی واقعی و بیشائبهٔ لنین نسبت بمردم و نهضت رهائی بخش میهن ما که در اسناد تاریخی متعددی ، چه مربوط به دوران پیش از انقلاب سوسیالیستی ۱ اکتبر و چه پس از آن ، انعکاس یافته گویا ترین شاهد این ادعاست .

هنگامیکه مجاهدین غیور انقلاب مشروطیت بسرکردگی ستار خان گرد آزادی و سردار ملی بقیام قاهرمانهٔ تبریز دست زده بودند و محمد علیشاه قاجار بیاری دولت استعمارگر تزاری بر کرسی انقلاب ملی هست گماشته بود لنین به پشتیبانی از نهضت آزادی خواهی ایران برخاست و در مقالاتی که بوسیله روزنامه پرولتاری در سال ۱۹۰۸ (۱۲۸۷) منتشر گردید مداخله دولت ضدانقلابی تزاری را بمنظور سرکوب انقلاب ایران بشدت محکوم نمود و همدستی ضمنی دولتهای استعماری انگلستان و فرانسه را در این توطئه افشاء ساخت . لنین در این نوشته ها با احترام عمیق جنبش انقلابی مردم ایران را که در برابر نیرو های شاه و حتی با کمك لیاخوفهای روسی و دیپلماتهای انگلیسی چنین موفقیت آمیز پایداری میکنند ، ستود و آنرا دلیل مسلمی بر غلبهٔ نهائی انقلاب تلقی نمود .

در سال ۱۹۱۲ هنگام انعقاد کنفرانس سراسری حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه در پراگ یکبار دیگر لنین به پشتیبانی از جنبش انقلابی مردم ایران برخاست و در قطعنامه ایکه تحت عنوان «هجوم حکومت روسیه بایران بتصویب کنفرانس رساند همدردی کارگران و زحمتکشان روسیه را نسبت بخلق ایران و انقلابیون غیور آن اعلام نمود و نفرت بی پایان و انزجار شدید حزب طبقهٔ کارگر روسیه را نسبت باعمال غارتگرانه و وحشیانه حکومت استبدادی تزاری ابراز داشت .

بلافاصله پس از پایان پیروزمندانه انقلاب اکتبر لنین ضمن پیامی که در سوم دسامبر سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) بنام دولت شوروی خطاب بمسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین فرستاده بود اعلام داشت : «معاهدهٔ تقسیم ایران را پاره شده و باطل اعلام میداریم» و در یادداشتی که در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ بکار داد ایران در بطرزگراد تسلیم شد بکار دیگر رسما اعلام گردید که «شورای کمیسر های خلق معاهدهٔ ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه را مغایر با آزادی و استقلال مردم ایران میداند و آنرا برای همیشه فسخ شده اعلام میدارد ، شورای کمیسرهای خلق بهمین طریق کلیه قرار داد های متعددهٔ قبل و بعد از این معاهده را نیز که بنحوی از انحاء به حق آزادی و استقلال ملت ایران لطمه بزند و یا آنرا محدود سازد کالعدم میکن و فاقد هر گونه اعتبار میشمارد» . در همین سند حکومت نوپیاد شوروی متعهد شده است تمام اقدامات لازم را برای پاك کردن خاك ایران از وجود عمال تزاری و بورژوازی امپریالیستی بکار برد و خروج نیروهای انگلیسی و ترك را از ایران تأمین نماید .

در سند رسمی دیگر بتاریخ ۲۶ ژوئن سال ۱۹۱۹ (تیر ماه ۱۲۹۸) دولت شوروی از تمام امتیاز نامه هائی که حکومت تزاری و اتباع آن در خاك ایران بدست آورده بودند و نیز از تمام امتیازات روسیه و فروش ایران بروسیه صرفنظر کرد . در همین سند دولت شوروی رژیم کاپیتولاسیون را ملغی اعلام کرد و از تمام حقوق کنسولی روسیه در ایران چشم پوشید .

هنگامیکه امپریالیسم انگلستان قرارداد استعماری ۱۹۱۹ را بایران تحمیل نمود دولت شوروی برهبری لنین کبیر اعلامیه ای خطاب بکارگران و دهقانان ایران صادر و ضمن آن اعلام نمود ، در این لحظه که فاتح دمدشن انگلیسی شادی کنان میکوشد بوغ اسارت قطعی بگردن ملت ایران بیاندازد ، دولت کارگری - دهقانی شوروی جمهوری روسیه با قطعیت اعلام میدارد که قرار داد انگلستان و ایران را که بر این اسارت صحه میگذارد برسمیت نمیشناسد . توده زحمتکشان روسیه ، زحمتکشان ایران را برادران و یاران و رفقای فردای خود در پیکار انقلابی برای رهائی کامل کار میدانند . دولت کارگری دهقانی روسیه شوروی که مبین ارادهٔ تودهٔ زحمتکشان روسیه است قرار داد ننگین انگلستان و ایران را که حکمرانان شما بموجب آن خود و شما را به انگلیس فروخته اند ، کاغذ پاره ای میداند که هیچگاه برای آن اعتبار قانونی قائل نخواهد بود» .

پشتیبانی قاطع لنین و حکومت جوان شوروی از مردم ایران موجب اعلای عظیم شور توده ها گردید و به گسترش جنبش آزادی بخش ملی در سراسر ایران کمك مؤثر کرد و با اینکه امپریالیسم و ارتجاع موفق بسرکوب جنبش سالهای ۱۲۹۷ - ۱۳۰۱ گردید عدم الوصف این جنبش به استظهار سیاست لنینی دولت اتحاد شوروی توانست قرار داد اسارت بار سال ۱۹۱۹ را ملغی ساخته خاك میهن ما را از وجود ارتشهای ترکیه و انگلستان پاك نماید .

پیروزی انقلاب اکتبر و استقرار حکومت شوروی در مجاورت مستقیم خاك ایران نه تنها مواضع امپریالیسم را تضعیف کرد بلکه در عین حال امنیت خارجی کشور ما را تضمین نمود .

اقداماتیکه دولت شوروی چه در زمان حیات لنین و چه پس از وفات وی به پیروی از تعالیم عالیهٔ او در مورد ایران انجام داد بر مبنای اصولی است که لنین کبیر سیاست خارجی این دولت را بر پایهٔ آن قرار داده است . این اصول عبارتند از احترام باستقلال ملی ، برابری حقوق ملل بزرگ و کوچك ، کمك برادرانه به پیشرفت اقتصادی و سیاسی کشور هائی که در راه استقلال و حاکمیت خویش مبارزه میکنند ، مشکلات بی شائبه و مجدانه به جنبش آزادی بخش ملت ها علیه امپریالیسم .

بیهوده نیست که شاعران نامی مانند ملك الشعراء بهار ، «میرزادهٔ عشقی ، لاهوتی» عارف قزوینی ، وحید دستگردی و بسیاری دیگر یافته ، گوئی گوش لنین ، این نامه بزرگ تاریخ معاصر ، این نگاه دهنده امپراطوری های استعمار گر ، این دوست صدیق ملت ایران را مورد تجلیل قرار داده و اشعار بر شوری در مدح او سروده اند .

سالگشت فرخنده لنین را برپا داریم !

صدمین سالروز تولد لنین علاوه برجنبهٔ جهانی و انقلابی آن بویژه برای ما ایرانیان دارای اهمیت ملی و میهنی است . وظیفه همهٔ ایرانیان میهن پرست و آزادیخواه ، صرفنظر از عقاید سیاسی و تعلق طبقاتی ، اینست که این جشن بزرگ را چنانکه در خور تمام ارجمند لنین است بر گزار نمایند .

افکار عمومی مردم زحمتکش جهان چنان نیرومند است که حتی یونسکو (سازمان فرهنگی ملل متحد) غیر سوسیالیستی و از جمله دولت ایران آمادگی خود را برای شرکت در برپا داشتن مراسم یکصدمین سالروز میلاد لنین اعلام داشته اند . ولی بادبود میلاد لنین حق بلامنازع و وظیفه مسلم توده های وسیع همه کشورهاست و اقدامات رسمی دولتی نمیتواند جانشین اقدامات توده ای در مورد انجام این وظیفه گردد . بجاست که مردم ایران افتخار بر گزاری شایستهٔ این سالروز را بدست گیرند و نگذارند این جشن واقعی توده های زحمتکش در کشور ما عقیم ماند .

هموطنان ، میهن پرستان ! آزادیخواهان ایران !

هر جا که میسر است مراسم یکصدمین سالروز میلاد لنین بزرگ را برپا دارید !

بهر نحو که امکان پذیر است در این مراسم شرکت کنید و مراتب سپاسگزاری عمیق خود را نسبت به لنین ابراز نمائید !

بهر طریقی که ممکن است شرکت توده های وسیع مردم ایران را در این جشن بزرگ جهانی تأمین نمائید !

پایندهٔ باد نام لنین کبیر ، بنیاد گزار نخستین دولت سوسیالیستی جهان !

جاوید باد لنینیسم ، آموزش فنا ناپذیر لنین !

استوار باد دوستی خلل ناپذیر مردم ایران و شوروی !

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

دنباله از صفحه ۸

## سیمای انسانی لنین

توضیح دهد و برای رفقائی که با نظر او موافق نبودند ، در بارهٔ آن مسئله نامه منبوشت و استدلالات تازه میکرد .

### عشق به کودکان

لنین حتی در دوران بیماریش به کودکان توجه داشت و نسبت به آنان مهربان بود . شب زانویه برای کودکان ساکن خیابان گورکی در تالار کرملین کاجی آراستند و لنین خود به تالار آمد . او حتی لحظهای از کودکان چشم بر نگرفت ، بازی آنها را تماشا میکرد و از ته دل میخندید . وقتی یکی از نزدیکانش از اینکه ممکن است سر وصدای بچه ها او را خسته کند ، نگرانی خود را بیان داشت ، لنین در پاسخ گفت : «باید هنگام بازی مزاحم بچه ها شد» .

*

سال ۱۹۱۹ که دشوارترین سالها بود به پیشنهاد لنین دستور تغذیه مجانی کودکان صادر شد . لنین میگفت : «ما بزرگسالان تا آخرین ذره آرد ، آخرین حبه قند و آخرین تکه کره را به کودکان خواهیم داد ، هر چند خود گرسنه بمانیم . بهتر است که با این حادثه دشوار بزرگسالان روبرو شوند .

### فروتنی صفت بر جستهٔ لنین

لنین بچند زبان خارجی تسلط داشت . در کنگره های کمینترن و در صحبت با نمایندگان از زبانهای فرانسه ، انگلیسی ، آلمانی استفاده میکرد . او زبان لهستانی و ایتالیائی را میخواند و زبان چکی و سوئدی را می فهمید . اما در پرسشنامه‌ای که از او سئوال شده بود : «چه زبانی میدانید؟» نوشت : «انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه بد ، ایتالیائی خیلی بد» .

سرمایه نیروی بین المللی است ، برای پیروزی بر آن اتحاد بین المللی کارگران و برادری بین المللی آنان ضرور است . ما با خصومت ملی ، با نفاق ملی ، با عزلت جوئی ملی مخالفیم . ما انترناسیونالیست هستیم .

(لنین ، جلد ۳۰ ، ص ۲۶۸)

# لنین

لنین ، کو جان خود را چون شرر افکند بر ناکس
نظر بر پیش کرد و تنگرید از بیم زی واپس
تو گر رمز بشر جوئی ، مثال عالیش بروس
منور جبهه غارتگری مشتاق چون کرکس

عقابی باش و سیری کن نشاط چرخ گردان را
چنان طرحی پدید آورد آن دانای کار آمد
که پیدا شد جدائی بین نیک و نام و نیك و بد
بشور آمد بشر بر ضد قومی شوم تر از دد
سپاه دشمنان بسیار ، لیکن دوستان بیعد

شکست آخر از خصم است ، پیروزیست یاران را
زمان از بهر هر کس اینچنین نقشی نمی سازد
ز موج سال ها هر بار گردی قد نیافرازد
کدامین ناخدا در بحر قلزم لنگر اندازد
بجز از جنگ با امواج که یکسر نپردازد

که تا از ورطه برهاند کسی بادبانان را ؟
بسا نام آوران ، پر کبر و قدرت ، غرقه اندر زر
ز خود در سیر هستی جاپری کردند گردونفر
به مرداب عدم مدفون شدند از موزه تا مغفر
بجز لعنت نساند از آنهمه غوغای ترس آور

که وقف خویشتن کردند عمری زشت بنیان را
ولی میدان گردی چون لنین ، اینك پس از صد سال
شود گسترده تر ، سیمرغ افکارش گشاید بال
چرا ؟ زیرا همه اعمال او بد در ره آمال
چو پیشاهنگ مردم بود ، خلقش رفت از دنبال

یکی فصل شگرف افزود مر تاریخ انسان را .

ا. س.

دنباله از صفحه ۱

# سیمای انسانی لنین

خود را که در رهبری حزب بودند دعوت نمود و به آنان چنین گفت :

با نگرانی تمام می بینم که تجلیل از شخص من شروع شده است . این دردناك و زیان بخش است . برای من شخصاً نامطبوع است که در این مورد دستوری صادر کنم . ممکن است مسخره آمیز و متفرعنانه بنظر آید . وظیفه برشماست که بتدریج جلوی این جریان را سد کنید .

*

سال ۱۹۲۰ کمیسیون جمع آوری اسناد برای تنظیم تاریخ حزب کمونیست روسیه (بلشویك) و انقلاب اکتبر ، تصمیم گرفت به جمع آوری اسناد برای موزه‌ای که قرار بود بنام لنین بوجود آید بپردازد . لنین این تصمیم را جداً رد نمود و به م . س . اولمینسکی که تصمیم کمیسیون را به اطلاع وی رسانده بود گفت : «شما نمیتوانید تصور کنید که عرضه داشت دائمی شخصیت من ، برایم چقدر ناخوش آیند است» .

*

در شروع آخرین جلسه نهمین کنگره حزب ، برخی از نمایندگان پیشنهاد کردند که این جلسه به پنجاهمین سالگرد تولد لنین اختصاص داده شود . این پیشنهاد با تأیید تمام نمایندگان روبرو شد . لنین که در جلسه شرکت داشت این پیشنهاد را نپذیرفت و گفت ، «رفقا بهتر است سرود انترناسیونال بخوانیم» نمایندگان شروع به خواندن انترناسیونال کردند . ولی پس از آن سخنرانیها دربارهٔ زندگی و آثار لنین آغاز شد . لنین علیرغم آنکه از او تقاضا شد در جلسه بماند ، جلسه را ترك گفت و از اطاق کارش هیئت رئیسه را با تلفن و یاد داشت بیاران نمود تا زودتر به سخنرانیها پایان دهد . کنگره در همین جلسه تصمیم گرفت آثار لنین را منتشر سازد .

*

پس از کنگرهٔ نهم در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ ، کمیته حزبی مسکو بمناسبت پنجاهمین سالگرد تولد لنین ، جلسه‌ای از بلشویك ها تشکیل داد . رفقای زیادی صحبت کردند . لنین تقاضا کرد هنگام ایراد سخنرانیها او را از حضور در جلسه معاف دارند و فقط در پایان جلسه حضور یافت . او نطقش را با این آرزو که کاش خصلت اینگونه سالگرد ها تغییر می پذیرفت آغاز نمود و سپس دربارهٔ وظایف حزب صحبت کرد .

*

لنین شخص پرستی را که با سرشت ما کمیسم بیگانه است محکوم میکرد . او مردم و توده های زحمتکش را آفرینندگان واقعی تاریخ میدانست و به نقش رهبری کننده حزب کمونیست تکیه میکرد . لنین به پیروزی سوسیالیسم ایمان داشت ، زیرا به نیروی توده های مردم و قبل از همه به آگاهی طبقاتی و تشکل پذیری طبقه کارگر عمیقاً باور داشت . او میگفت ، «پیگیری ، پایمردی ، آمادگی ، عزم و لیاقت صد بار آزمودن ، صد بار تصحیح کردن تا بهر قیمت بهدف نائل آمدن . این صفات پرولتاریای روسیه را هم طی ۱۰ ـ ۲۰ سال قبل از انقلاب اکتبر و هم طی ۲ سال پس از انقلاب که بار ، محرومیت فراوان ، گرسنگی ، بیماری و فقر را بر دوش کشید رشد و پرورش داد . این خصائل پرولتاریا ، وثیقهٔ پیروزی اوست .

## صادق و صریح

بنا به نوشته کروپسکایا لنین نسبت به خود سختگیر بود و همین سختگیری را دربارهٔ دیگران داشت . او از تمام همکاران خود حد اعلای احساس مسئولیت ، ابتکار ، استقلال ، لیاقت ، جواب کار را سنجیدن و اهمیت سیاسی این یا آن مسئله را درك کردن ، طلب میکرد . از آنها بر خورد جدی و علاقه به کار انتظار داشت . لنین در مناسبات خود با دیگران صادق و صریح بود . از نابغه‌گی ، سهل انگاری و بر خورد فورمالیستی بکار شدید و بدون ملاحظه انتقاد میکرد . از دسیسه و پاپوش دوزی بیزار بود و به کادر های حزب توصیه میکرد که ارزیابی عینی و همانانه شخصیت افراد را مد نظر قرار دهند . لنین تقاضای کار این یا آن همکار خود را آشکارا و بی پرده خاطر نشان میساخت .

## احترام به نظر اکثریت

در تمام مسائل مهم لنین با اعضاء کمیته مرکزی ، کمیسرهای ملی و کسانی که در سایر دستگاههای رهبری بودند مشورت میکرد . هر گاه لنین ریاست جلسه‌ای را بر عهده داشت نمیخواست عقیدهٔ خود را بر دیگران تحمیل کند . با دقت تمام به استدلالات سایرین توجه میکرد همه کسانی که در جلسه صحبت میکردند عقیده خود را صریحاً بیان میکردند . اگر در نظریات و پیشنهاد ها کمترین تضادی پیدا میشد ، مسئله را به رأی میگذاشت . اتفاق میافتاد که اکثریت کمیسرهای ملی به تصمیمی رأی میدادند که با عقیدهٔ لنین موافق نبود ، در چنین مواردی لنین به نظر اکثریت تسلیم میشد . هر گاه موضوع اهمیت اصولی داشت به تصمیم دستگاههای عالیتر حزب و دولت وا گذار میکرد . لنین هرگز فقط نیروی اوتوریته خود را بکار نمیبرد . او کوشش میکرد دیگران را بحقانیت خود قانع کند . سعی میکرد کرارا

دنباله در صفحه ۷